

امت

رساله عصر امت؛ امامت

ماهنامه اجتماعی - اقتصادی امت (پیش شماره اول) - مرداد ۱۴۰۳

صبح یکصد و نهم...

ماهنامه اجتماعی - اقتصادی امت

پیش شماره اول - مرداد ۱۴۰۳

شماره مجوز: ۹۴۳۱۸

مدیر مسئول: فاطمه قاسمی

سر دبیر: محمد جعفری

با تشکر از شورا و هیات تحریریه امت

حالا زمان انتقام سخت است....



خونخواه شهید عزیز

رژیم صهیونی جنایتکار و تروریست، میهمان عزیز ما شهید هنیه رادر خانه ی ما به شهادت رسانید و ما را داغدار کرد، ولی زمینه مجازاتی سخت برای خود را نیز فراهم ساخت... ما در این حادثه ی تلخ و سخت که در حریم جمهوری اسلامی اتفاق افتاده است، خونخواهی او را وظیفه ی خود می دانیم.

رهبر انقلاب اسلامی

۱۴۰۳/۰۵/۱۰



چرا اُمت؟

ملائکه و جنیان اگر چه هیچ علم و آگاهی نسبت به خلق جدید نداشتند، اما انسان را به خوبی می شناختند

انس و الفت معانے نهفته در خلقت انسان

ملائکه و عزازیل می دانستند که انسان واژه ای دو پهلو است از یک سو ریشه در انس و الفت و معرفت دارد و از سوی دیگر ریشه در نسیان و فراموش کاری دارد.

ریشه داشتن انسان در انس و الفت او را موجودی اجتماعی کرده بود که قادر به زیست فردی نبود و این زیست فردی نداشتن موجب شده بود که نام انسان با امت و ملت گروه بخورد و به گفته فلاسفه بزرگ انسان موجودی مدنی الطبع بود و از سوی دیگر فراموش کار بود اما کسی نمی دانست این فراموش دقیقاً به چه معناست؟

از زمانی که خبر خلق موجودی جدید و آفرینش مخلوقی جدید در عرش الهی پخش شد و تمام عالم کائنات را در بر گرفت و همه انتظار می کشیدند که بدانند این مخلوق جدید کیست؟

وقتی خلقت پیکر و جسم این موجود جدید به پایان رسید در عرش همه به آن سر می زدند تا بدانند چیست؛ حتی عزازیل که بعدها به خاطر عدم سجده بر این مخلوق جدید ابلیس درگاه الهی شد. بارها از میان جسم این مخلوق جدید جابجا شده بود ولی نمی توانست بفهمد که این مخلوق جدید چیست و چه ویژگی هایی دارد.

در عالم عرش تمامی مخلوقات از اجنه و ملائکه فقط می دانستند که این خلق جدید «آدم» نام است و قرار است از او در جهان نسلی پراکنده شود که «انسان» نام دارد.

ملائکه و جنیان به ماهیت مخلوق جدید یعنی آدم علیه السلام هیچ علم و آگاهی نداشتند و خلقت او و هدف از خلقتش در پرده ای از اسرار نهفته بود اما تمامی مخلوقات کائنات در یک نکته متفق القول بودند. اینکه اگر قرار است خلقت مخلوق جدید فقط به صرف عبادت و بندگی خداوند باشد ما بر او ارجحیت داریم و هیچ کس چون ملائکه نمی تواند حضرت پروردگار را تقدیس و تسبیح کند.

این حرف ها در جای جای عالم کائنات پخش شده و در جریان بود تا اینکه همه متوجه شدند قرار است به واسطه این مخلوق جدید نسل انسان ها در عالم پراکنده شود.



امیرالمؤمنین امام علی و حضرت زهرا سلام الله علیهما داشت و زمانی که حضرت آدم علیه السلام مقام ولایت اهل بیت و شأن عظیم آنان را بر اهل عرش آشکار ساخت بی درنگ اهل

عرش به واسطه این عظمت مقام؛ این نفوس مطمئنه سر به سجود ساییده و مقام آدم را به واسطه ولایت اهل بیت علیه السلام گرامی داشتند جز یک نفر که ابلیس

شد چرا که او درکی از مقام ولایت نداشت و چون در خیمه ولایت وارد نشد تا ابد رانده درگاه الهی و مغضوب خداوند و تمام عالم شد.

حسادت ابلیس ...

کینه و حسادت ابلیس تمامی نداشت و بجای اینکه متوجه خطا و خسران خود شود، نه تنها متوجه نشد که غرور و حسادت چه خسارتی

روز موعود فرا رسید مخلوق جدید به اهل عرش و گون مکان معرفی می شود. بالاخره انتظارها به پایان رسید. خداوند تمامی اهل کائنات را فراخواند و خلق جدید را به آنها معرفی کرد.

زمانی که خلق جدید معرفی شد و از او به تعبیر خلیفه الهی در زمین یاد شد؛ یکباره تمام عرش از ملائکه و جنیان و سایر مخلوقات و به ویژه ملائکه با کسب اذن از خداوند زبان به سخن



گشودند که خداوندا! اگر قرار بر عبادت و بندگی است ما به بهترین شکل عرض بندگی داریم و چرا باید خلق جدیدی صورت گیرد؟ خداوندا! این خلق جدید اگر چه آدم نام دارد ولی از تبار انسان ها است و انسان خون ریز و فساد کننده هست و انسان ها امت هایی هستند که در گذشته و در آینده زمین را به محل فساد و خونریزی تبدیل خواهند کرد.

خداوند در پاسخ این سخنان کوبنده پاسخ داد که من چیزی می دانم که شما نمی دانید و سپس رو به سوی آدم علیه السلام نمود. آدم علیه السلام به اذن خداوند اهل عرش را محو رفتار و علوم الهی خویش کرد علوم الهی که ریشه در پدر بودن حضرت آدم علیه السلام برای رسول خدا صلوات الله علیه و آله، حضرت



به او زده است بلکه حسادت این خسران را چند برابر کرد و برای همیشه موجب هلاکت نابودی و تباهی ابلیس شد. به همین دلیل است که در سنت های تاریخی هرگاه موجودی دچار غرور توامان با حسادت شده و طاعی شده و طغیان کرده و فرعون می شود سرنوشت محتوم او حز نابودی نخواهد بود.

ترک بهشت و سکونت در زمین

حضرت آدم علیه السلام پس از اینکه خداوند کنیز خود «حوا» را برای او مایه آرامش و انس الفت قرار داد در بهشت و در کنار او متنعم بود اما از آنجایی که ابلیس به این جایگاه و مقام حضرت آدم علیه السلام حسادت کرده و از سوی دیگر به تصور اینکه از آتش و از ماده ای برتر از گل خلق شده غرور تمام وجودش را کور و کر کرده بود حضرت آدم علیه السلام را فریفت و حضرت آدم علیه السلام زمانی که متوجه اشتباه خویش شد با همسرش توبه کرد و خداوند آنها را به زندگی در زمین که دار آزمایش و بلا است امر کرد و اینچنین شد که حضرت آدم علیه السلام و بانوی عظیم الشان همراهش در زمین سکنی گزیدند و از دار الفرار به دار البلا و مصائب منتقل شدند و به این ترتیب اولین خانه و خانواده در روی زمین استقرار یافت خانه و خانواده واحدی که امت های مختلف را پدید آوردند.

فراموش کاری انسان و معنای نسیان بودن نام آدمی

ماجرا از ازدواج فرزندان حضرت آدم علیه السلام یعنی هابیل و قابیل با دو فرشته الهی آغاز شد و متاسفانه از آن جایی که پسران حضرت آدم علیه السلام همچون نسل ها و امت های پسین فراموش کار بودند سخنان پیامبر خداوند و پدر خود یعنی حضرت آدم علیه السلام را از یاد بردند و در راه آزمایش خداوند برای محک زدن محبت خود به حضرت حق قابیل فریفته سخنان ابلیس شد و تصمیم گرفت به جای اینکه بهترین محصول خود را

به خداوند تقدیم کند به خیال اینکه من زحمت کشیده ام چرا باید دسترنج خود را رایگان دیگری دهم بدترین قسمت محصول خود را به درگاه خداوند عرضه کرد و نه تنها خود بلکه خداوند خود را نیز نزد پروردگار خجل و خجالت زده کرد و از آن جایی که با نهایت گستاخی به ذات قدس بی نیاز خداوند با این عمل توهین کرد محصولی که به عنوان هدیه آورده بود از خجالت اقدام در انش عذاب سوخت و خاکستر شد و اینچنین باز قابیل بجای توجه به سخنان پیامبر خدا حرصت آدم علیه السلام که توصیه کرده بود ابلیس برای او دشمن بزرگی است و اوست گه موجب سقوط آدمیان به زمین شده است و همانا شیطان برای آدمیان دشمن آشکاری است. باز با ابلیس همراه شده و فریفته و سوسه های او شد تا جایی که حتی به وجود اینکه فرشته هایی که خداوند برای



همسری این دو پسر فرستاده بود هیچ برتری بر یکدیگر نداشتند و از فرشتگانی بودند که هر دو در بهشت با حضرت حوا علیه السلام انس و الفت داشته و مقرب این بانو حوا علیه السلام بودند و هر دو بسیار برجسته بودند قابیل فریفته شیطان شد که بله خداوند فرشته بهتر را برای همسری با هابیل انتخاب کرده و فرشته زشت تر را برای همسری من و این چنین شد که قابیل فراموش کار و خطا کار دست به خون برادر آلوده کرده و اولین قتل روی زمین را مرتکب شد و موجب سرافکنندگی خاندان خود شد و از روی فساد و طغیان خانواده خود را ترک کرد و در زمره ابلیسیان درآمد و اینچنین نسل انسان های فاسد را در زمین ایجاد کرد.

قرار است دوباره فرزندان حضرت آدم علیه السلام با هدایت آخرین موعود الهی با پی بردن به دشمنی ابلیس و کنار گذاشتن او برای همیشه از زندگی خود یک امت واحد شوند

زندگی خود یک امت واحد شوند همانگونه که در نخستین روزهای استقرار در زمین اهل یک خانه از یک پدر و مادر و یک امت بودند دوباره یک خانه و خانواده و یک امت واحد شوند که در تمامی امور برای تمامی مخلوقات الگو و نماد هدایت هستند و همه از آنها اطلاعات و الگو برداری می کنند چرا که خلیفه الهی در روی زمین هستند و تمام عالم هدفی جز اطلاعات از خلیفه الهی در روی زمین ندارد.

ماهنامه امت قرار است در این سفر شگرف و شگفت تا رسیدن به مقصود و عبور از پیچ تمدنی تاریخ و رسیدن به عصر امت امامت یادآور این نکته به فرزندان حضرت آدم علیه السلام و انسان ها باشد که شیطان و ابلیس برای شما دشمنی آشکار است و اگر بر دشمنی او همواره واقف بوده و از آن غفلت نکنید به یقین رستگار شده و اهل رستگاری و ایمان خواهید بود.

آری اینچنین بود که داستان خانه و خانواده حضرت آدم علیه السلام و ابلیس در روی زمین آغاز شد و خانه و خانواده حضرت آدم علیه السلام امت و ملت های زیادی را روی زمین پراکنده کردند که عده ای هابیلی شدند و عده ای قابیلی، اما واضح و آشکار این است که چون بشر و انسان ها از یک خون و از یک خانواده هستند قرار است در عصر پیروزی حق بر باطل و عصر پیروزی هابیلیان بر قابلیان و شیاطین به رهبری آخرین موعود الهی که از نسل حضرت آدم علیه السلام و فرزند نبی خاتم حضرت رسول صلوات الله علیه و آله و هم نام ایشان است دوباره در قالب یک امت به اصل یک خانه یک امت که همان هدف از آزمایش انسان در روی زمین است بازگردند و قرار است دوباره فرزندان حضرت آدم علیه السلام با هدایت آخرین موعود الهی با پی بردن به دشمنی ابلیس و کنار گذاشتن او برای همیشه از



وعدۀ صادق و فصل جدید تاریخ در کتاب بشریت

اگر قرار باشد تاریخ به این ولنگاری و کمتـرین حساب و کتابی دست به دست شده و به ما برسد، چه ارزشی دارد؟ فلان پادشاه در فلان زمان شکست خورد یا پیروز شد، به وزیر خود چه گفت، وزیر به سپه سالار چه گفت، در فلان جنگ چند نفر کشتند یا کشته شدند، چقدر غنیمت به دست آوردند، چه کسی جانشین پادشاه شد و هزاران نقل خاطرات، همه و همه در خوش بینانه ترین حالت ممکن، خاطراتی از افراد هستند که اگر به فرض محال کاملاً صحیح باشد؛ خب اینها به ما چه؟ این که در این جنگ یک نفر مرده باشد یا هزاران نفر، این که شکست خورد یا پیروز شد، این که غنیمت به دست آمد یا نه و هزاران موضوع از این دست، چه درس و آوردهای برای بشریت دارد که باید آن را زنده نگه داشت؟

اُمت در عملیات و وعدۀ صادق که به فرمان مستقیم امام امت

در عید بزرگ مسلمانان، بعد از یک ماه بندگی خدا و درک شب های قدر اجرا شد، یک اتفاق تاریخی برای انقلاب اسلامی رقم خورد و آن پذیرفتن ایران اسلامی نه به عنوان یک قدرت نظامی، بلکه یک قدرت تمام قد در برابر استکبار، یک قدرت حامی مظلومان و مجری اسلام ناب محمدی بود.

* کلمه ای که زیاد درباره آن سخن گفته می شود و در جوامع علمی بیشتر هم گفته و شنیده می شود، تاریخ است، ولی شاید بتوان گفت که یکی از مهم ترین مقوله های علمی و عقلی که در طی سال ها بسیار به انحراف رفته است، همین واژه است.

برخی تاریخ را صرفاً قصه و برخی نیز پا را فراتر گذاشته و تاریخ را به خاطرات محدود می کنند؛ این موضوع، در خوش بینانه ترین حالت، از بزرگ ترین انحرافات از سوی آگاهان و بزرگ ترین غفلت ها از سوی جاهلان به موضوع است. در منابع دینی درباره اهمیت تاریخ و توجه به سرنوشت گذشتگان بسیار توصیه شده است، ولی آیا منظور آن، یادآوری خاطرات است که اکثراً به صورت عمدی یا سهوی، خلاف واقع است؟

نقل است در میان عوام که تاریخ را فاتحان می نگارند، ولی تاریخ را نه فاتحان و نه شکست خوردگان می نگارند؛ بلکه آن ها خاطرات خود را آن گونه که می پسندند از خودشان باز بماند، می نگارند، حال هرچه قدرت پول و جایگاه سیاسی و اجتماعی افراد بیشتر باشد، بیشتر در کتاب ها نفوذ می کند.



این طور می شود که هر که می خواهد درباره تاریخ سخنی بگوید، با انبوهی از خاطرات و نوشته ها و تصاویر روبروست که نه تنها نمی تواند آن ها را در ذهن خود جمع کند، چه بسا در بزرگ ترین کتابخانه ها و مخازن علمی هم توان جمع آوری و نگهداری آن نیست.

در چنین شرایطی شاید بتوان گفت که بزرگ ترین تاریخ دان ها، دانش نامه های اینترنتی و نرم افزارهای رایانه ای و از این قبیل ابزارها هستند. پس عبرت ها و درس ها به کجا می رود؟ این غول بی شاخ و دم که هیچ انسانی را حتی توان پیدا کردن ابعاد آن هم نیست، چه رسد به فهم آن، به چه دردی می خورد؟ این تاریخ نه تنها دردی را دوا نمی کند، بلکه وبال انسان هاست.

هیچ تاریخه آغاز
نمیشود، مگر با
حرکت اُمت

تاریخ آغازی دارد، حرکتی به سوی کمال است یا چه بسا ظلمات که مسافرانی با خود همراه می سازد؛ در تاریخ دینی، همراهان آن امت هستند، امتی که تاریخ را رقم می زنند. هیچ تاریخی آغاز نمی شود، مگر با حرکت امت؛ رویدادی است که زمانی به پایان می رسد که امت به پایان برسد؛ امتی که این مخلوق زمانی را سینه به سینه با خود حمل می کنند، بدون این که صفحات را سیاه کند یا باری بر دوش مردم قرار گیرد، دستگیر است، چون حی است و هدایت می کند، چون در حرکت است؛ مگر راهنمای ثابت، می تواند انسان های در حرکت را راهنما باشد؟

مهم ترین تاریخی که تا چندی پیش با آن روبرو بودیم، تاریخ هجرت مسلمانان از مکه به مدینه است که سرآغاز تاریخ اسلام است و توسط رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام مورد تأکید قرار گرفت تا همگان به اهمیت آغازش پی ببرند و نکند تا خدای ناکرده رو به فراموشی سپرده شود.

حالا این پرسش به ذهن می رسد که مگر هجرت مسلمانان از مکه به مدینه چه داشت که در ۱۳ سال قبل از آن که مهم ترین اتفاقات اسلامی در آن زمان رقم خورد، هیچ کدام به اهمیت آن نبود، یا این که چه داشت که در بازه زمانی بعد از آن هیچ مسئله ای به اهمیت آن نبود که این واقعه را به حاشیه برده و خود آغازی بر تاریخ باشد. قبل از هجرت ما شاهد مبعث، نزول قرآن، حضور مسلمانان در شعب ابی طالب، خورده شدن عهدنامه اعراب در تحریم مسلمانان توسط موریانه و... که هر کدام می توانست آغازی بر تاریخ باشد، یا بعد از واقعه هجرت که جنگ بدر و احد و خندق، فتح مکه، فتح خیبر و... که هر کدام شاهد معجزات و اثرات فراوانی بود که می توانست به عنوان مبدأ تاریخ اسلام باشد؛ اصلاً مگر خود مبعث به تنهایی کم بود که با آن همه معجزه الهی با هجرت



مسلمانان به حاشیه رفت و شد مبدأ تاریخ اسلام؟

پیامبر بعد از مبعثشان تبلیغ دین را با بزرگان و افراد تأثیرگذار قبایل مکه آغاز کردند و برای پادشاهان نامه نوشتند و آن ها را به اسلام دعوت کردند. اگر پیامبر می خواستند فقط اسلام را در میان ملت های دیگر ترویج کنند، چرا با صاحبان قدرت که با پذیرش اسلام ممکن بود منافع و سرمایه های خود را از دست بدهند کار را شروع کردند؟ چرا افرادی را تربیت نکردند که مخفیانه به میان مردم بروند تا دینی را در میان افراد رواج دهند که با عباداتی

تا قبل از هجرت مسلمانان پیامبر اکرم که انسان کامل و عالم کامل است، در جایگاه مبعث اُمی خود، به یک مهم دست نیافته بود و آن شکل گیری امت اسلام بود که در هجرت پیامبر و مسلمانان به مدینه این مسئله جاری شد و گروه مسلمانان و ملت یثرب، امت اسلام را تشکیل دادند و جامعه دینی شکل گرفت

کوچک، حتی در خانه هایشان، اسلام را به دینی جهانی تبدیل کنند؟

شاید یک پاسخ کوتاه که خیلی گفت می شود و ساده از کنار آن عبور می شود، تشکیل حکومت اسلامی باشد، ولی چطور می شود که حکومت اسلامی حقیقی شکل می گیرد. پیامبر که دعوت عمومی خود را خیلی زودتر از هجرت مسلمانان به مدینه شروع کرده بود، پس موضوع حکومت چه زمانی اتفاق افتاد. به محض ورود پیامبر به یثرب که حالا به مدینه النبی تغییر نام یافته بود، چه اتفاقی افتاد که حکومت اسلامی شکل گرفته بود؟ ساخت مسجد، اقامه نماز، اعلام آزادانه دین اسلام و... کدامیک بود که حکومت را محقق کرد؟

پاسخ کامل و حتی نزدیک به کامل برای این سؤال به ظاهر ساده، نیازمند نوشته ها و سخن های زیادی است که کمترین آن، از

حوصله این نگارش خارج است و البته هدف آن هم نیست، ولی اگر بخواهیم در خلاصه ترین حالت ممکن به آن اشاره کنیم، این است که تا قبل از هجرت مسلمانان پیامبر اکرم که انسان کامل و عالم کامل است، در جایگاه مبعث اُمی خود، به یک مهم دست نیافته بود و آن شکل گیری امت اسلام بود که در هجرت پیامبر و مسلمانان به مدینه این مسئله جاری شد و گروه مسلمانان و ملت یثرب، امت اسلام را تشکیل دادند و جامعه دینی شکل گرفت و اسلام حقیقی جاری گشت، اسلامی که با نزول قرآن، مبعث پیامبر، رنج و مشقت های فراوان پیامبر و اصحابش و خون های پاک ریخته شده، تا آن زمان، هنوز نتوانسته بود آن را محقق سازد.

با تشکیل امت اسلام، دیگر اسلام مسئله ای برای یک گروه نبود که بتوان آن را



شد، ایران اسلامی با بخش کوچکی از توان نظامی خود، صرفاً برخی اهداف از پیش تعیین شده را با دقت بالایی مورد حمله موشکی و پهپادی قرار داد و در ظاهر خسارت مالی کمرشکنی برای صهیونیست‌ها نداشت.

اما در این حمله، یک اتفاق تاریخی برای انقلاب اسلامی

رقم خورد

و آن

پذیرفتن

ایران

اسلامی نه

به‌عنوان

یک قدرت

نظامی،

بلکه یک

قدرت

تمام‌قد در

برابر

استکبار، یک قدرت حامی

مظلومان و مجری اسلام ناب

محمدی بود. اسلامی که

به‌ویژه در سده‌های اخیر

صرفاً بویی از آن مانده بود و

کار را تا جایی برده بود که

تحریم کرد و یا نقشه‌ای برای کشتن پیامبرش کشید، پیروانش را شکنجه کرد و اموال و دارایی‌های آن‌ها را چپاول نمود. حال امت اسلام در مدینه‌النبی شکل گرفته بود که تبدیل به یک پایگاه نشر معارف ناب الهی شده بود و به خاطر این مهم، تاریخ اسلام را از آن به بعد حساب کردند.

این است جایگاه تاریخ که بر اساس آن، اسلام از خانه‌ها به جامعه آمد و مرزهای قلوب ملت‌ها را یکی پس از دیگری تسخیر کرد و امت اسلام را به فرای مرزهای جزیره العرب برد.

با این توضیحات، می‌خواهیم تاریخی دیگر را در دوره کنونی

بررسی کنیم؛ امام

خامنه‌ای اخیراً

در جریان یک

دیدار، با اشاره

به اعترافات

اندیشمندان

غربی در

خصوص اهمیت

تاریخی و

راهبردی

عملیات تنبیهی

ایران علیه رژیم

صهیونیستی



تأکید کردند که «تاریخ منطقه غرب آسیا را باید به دو بخش قبل

و بعد از عملیات وعده صادق تقسیم کرد.»

با تعریفی که از تاریخ ارائه شد، باید ببینیم که با این عملیات

نظامی، چه اتفاقی افتاد که تاریخی جدید رقم خورد. در عملیات

وعده صادق که به فرمان مستقیم امام امت در عید بزرگ

مسلمانان، بعد از یک ماه بندگی خدا و درک شب‌های قدر اجرا

اُمت - امام خامنه ای: انسانهای

به خرد به جای ولایت الهی، ولایت شیاطین را قبول می کنند

اگر زندگی بخواهد عزتمندانه باشد، انسانهای دارای خرد و تدبیر، مشکلات را به خاطر رسیدن به عزت و شرف انسانی و کرامت انسانی و تقرب الی الله تحمل میکنند؛ انسانهایی که بی خردند همین مشکلات در زندگی آنها هست، آنها را با ذلت تحمل میکنند، به جای اینکه ولایت الهی را قبول کنند، ولایت شیاطین را قبول میکنند: **وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا، كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا** (۱) فرمولی که انسانهای بی خرد، دستگاه‌های بی خرد، انسانهای غافل در دنیا انتخاب میکنند و اتخاذ میکنند، این جور در قرآن کریم رسوا شده است. به جای اینکه به خدا پناه ببرند، به جای اینکه ولایت الهی را قبول نکنند، به جای اینکه به هدایت الهی چنگ بزنند، به ولایت شیاطین، به ولایت دشمنان اسلام و دشمنان بشریت متمسک میشوند برای اینکه برای خودشان عزت درست کنند، و این عزت به دست آنها نمی آید. آن عبادت شوندگان نابکار هم از آنها سپاسگزاری نخواهند کرد: **كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا**. این بیان قرآن، بیان روشنی است؛ باید از این بیان درس گرفت، باید راه را درست شناخت، خط هدایت قرآنی، انسانها را به سعادت میرساند، بایستی از خدای متعال کمک خواست. ۱۳۹۳/۰۳/۰۶

بیانات در دیدار مسئولان نظام و شورای کورهای اسلامی

سران دست‌نشانده استکبار و فرمان‌بر دولت‌های به‌ظاهر اسلامی، برای نابودی مسلمانان مظلوم فلسطین از اسرائیل پشتیبانی مالی و دیپلماتیک می‌کردند.

امت اسلام دیگر در مرزهای ایران محدود نخواهد شد، اینک انقلاب اسلامی که پیش از وعده صادق (از نظر برخی ساده‌انگاران) به عنوان دولتی اسلامی در حال فروپاشی، به قدرت اصلی دینی، اعتقادی، اقتصادی، نظامی، دیپلماتیک و... شناخته می‌شود، امتی که همگان دوست دارند با احترام نام آن را بر زبان بیاورند. تجار و حکومت‌هایی که تا پیش‌ازین برای حفظ امنیت خود دست به دامن اسرائیل می‌شدند و توان نظامی و مالی صهیونیست‌ها را پشتیبانی برای کارهای سیاسی و اقتصادی می‌دانستند، حالا اسرائیل را رها کرده‌اند و به سراغ کشوری آمدند که بر اساس فطرت انسان‌های آزاده پیش می‌رود و استکبار جهانی را در برابر خود به زانو در آورده است.

با وعده صادق، حرکت‌های ضد صهیونیستی که صرفاً در میان عوام وجود داشت، به جمع‌های نخبگانی، دانشجویان و اساتید دانشگاهی و شخصیت‌های سیاسی در کشورهای اروپایی و حتی قلب استکبار یعنی امریکا نفوذ کرده است. سدهایی که آب زلال انقلاب اسلامی را در مرزهای ایران محصور کرده بود و صرفاً جوی‌های کوچکی به برخی سرزمین‌ها داشت، به یک‌باره متلاشی شد و نخستین اثراتش را بر کشورهای همسایه گذاشت. سفر رئیس‌جمهور شهید به کشور پاکستان و واکنش گسترده مردم و علما و مسئولان در شرایطی که صرفاً چند ماه پیش چالش امنیتی بزرگی با حمله ایران به پایگاه‌های گروهک تروریستی جیش‌الظلم (جیش‌العدل) میان دو کشور اتفاق افتاده بود؛ نشان از تاریخ جدیدی برای جهان است که فعلاً در عنوان غرب آسیا به آن پرداخته می‌شود.



نقش امی‌ترین انقلاب اسلامی معاصر در معماری نوین جهانی

افراد در این دوران وارد مرحله جدیدی از بردگی شدند و آن گرفتاری در تعصبات و قواعد عجیب بت‌پرستی بود؛ بت‌هایی که نه به‌تنهایی، بلکه واسطه‌هایی از خدایگان شده بودند و برای مردم نسخه بندگی می‌نگاشتند. بت‌ها تنها سمبل این دوران بود، موضوع اصلی، فرهنگ بردگی و بندگی بود، تا جایی که انسان‌ها از زنان و دختران خود می‌گذشتند تا در این چرخه بردگی و بندگی مادی، خودی نشان دهند و جایگاهی برای خود به دست آورند.

نشانه‌های تمدن و به‌روز بودن در جاهلیت

در این دوران نیز کمال، به میزان گرفتاری در جاهلیت بود و دانشی ارزش داشت که انسان‌ها را بیشتر در جاهلیت فرو می‌برد؛ جاهلیتی که امروز از آن به جاهلیت نام برده می‌شود، ولی در آن دوران نشانه رشد اجتماعی و

امت دوباره جهان در مسیری قرار گرفته بود که در زمین برای خود خدایی بسازد و بر اساس اراده این خدای مادی، زمانه‌ای را رقم بزند که بر اساس عقل و درایت مادی و دنیایی، انسان‌ها بردگی را برای

خود افتخاری بدانند و هرچه میزان بردگی و بندگی خدایگان مادی بیشتر می‌شد، افراد جایگاه اجتماعی بالاتری می‌یافتند.

دعای مؤمنان و خون‌دل وجود مبارک حضرت حجت(عج) شاگردی را تربیت کرد که قلبش برای پذیرش ولایت الهی آماده شد؛ قلبی که ملامال از توکل به خدا و ولایت امام زمانش شد و پرچمی را به دست گرفت که حتی فکر کردن به آن هم برای مردم ایجاد دلهره می‌کرد. روح‌الله موسوی خمینی حرکتش را به سلف پاک خویش اقامه کرد که با وجود اجتهاد در فقه، فلسفه، عرفان و... امی بود؛ یعنی مردمی بودن در کمال.

در این فرهنگ، عده‌ای در عین بندگی و بردگی، عده‌ای دیگر را بردگان خود قرار می‌دادند و این زنجیره همچنان ادامه می‌یافت؛ هر کس هم که کمترین نگاه مخالفی داشت، در پست‌ترین جایگاه اجتماعی ممکن قرار داده می‌شد. وضعیتی که نمونه آن در دوران فرعون نمود بارزی یافت که وجود خدایان مادی رواج گسترده‌ای یافت و خدای اعلی و برتر زمین هم فرعون شده بود. طاغوتی که با مدد و اراده الهی به زباله‌دان تاریخ رفت و با گذشت سال‌ها، در دوران جاهلیت پیش از اسلام دوباره رشد یافت و در مسیر کمال خود قرار گرفت.



ته مانده های تمدن اسلامی
برای کنار گذاشتن هرچه
سریع تر اسلام از معادلات
تمدنی و پیشرفت بشریت!

برده داری از دوران آپارتاید وارد فاز جدیدی شد

در کشورهای غربی و
غیرمسلمان، برده داری
(Apartheid) با آن صورت
خشن، جای خود را به
برده داری با میل باطنی افراد
عوض کرده بود و هرآنچه
مسیری به سمت عقل و
حقیقت داشت را بر روی
خود می بست. بردگان در این
جریان، به کارهای سخت
بدون دستمزد گماشته
نمی شدند، بلکه بردگان در
کارهایی به مراتب سخت تر با
درآمد بالا مشغول به کار
می شدند، ولی ناخواسته،
تمام درآمد خود را به سمت
سیاست های مالی نظام
سلطه هزینه می کردند،
عده ای برای کشورگشایی ها
سرباز می شدند، عده ای
صنعت نظام سرمایه داری را
به چرخش در می آوردند و...؛

به روز بودن و متمدن بودن افراد بود. در این دوران نیز اوضاع از
دست انسان عادی خارج شد و اراده الهی، نور کمال حقیقی را در
تاریک ترین دوران جاهلیت تاباند و خُلق عظیم شکل گرفت و
هدف خلقت شکوفه زد و دین کامل در عرصه گیتی جاری شد.

تاریخ اسلام گرفتار انحرافات شد که شاید باور آن برای ما که
امروز خیلی از اتفاقات و جریان ها را در اختیار داریم، کمی ساده تر
باشد، ولی در دوران خود، نه تنها انحراف نبود، بلکه نشانه تمدن و
پیشرفت بود، انسان ها مسیر دین را از گستره جامعه اسلامی به
خانه های خود بردند و حکومت را به ناهلان متمدن سپردند.

مسئله روز، حرمت تشکیل حکومت اسلامی بود

این مسئله موجب شد که روز به روز اسلام جای خود را به تمدن
جاهلی بدهد و با گذشت هزار سال دایره دین به اندازه ای کوچک
شد که دیگر مسئله بودن و نبودن اسلام در جامعه نبود، بلکه
مسئله اصلی، هرچه دورتر کردن آن، حتی در خانه ها بود. برای
مردم مسلمان و مقید باوری ایجاد شده بود که نه تنها نمی شود
حکومت اسلامی ایجاد کرد، بلکه این کار در این دوران حرام است
و برای اثبات این هم دلایل عقلی و منطقی می یافتند و کتاب ها
سیاه می کردند.

همه چیز در مسیر بردگی و بندگی مادی با شتاب فراوان در حال
حرکت بود و تمامی بشریت هم با کمال میل آن را پذیرفته بود؛
کار به جایی رسیده بود که هرگونه نماد دینی اصیل، نه تنها ممنوع
بود، بلکه سدی در برابر پیشرفت تمدن انسان ها قلمداد می شد؛
کلیساها آتش زده می شد، مکه و مدینه به عنوان خاستگاه اسلام
سرنگون شده بود و اسلام جدیدی با اسم وهابیت در آن شکل
گرفته بود که یک هدف را دنبال می کرد، سرعت بخشیدن به
تمدن ترسیم شده از سوی جبهه استکبار و همراه ساختن



از روش خشن قبلی بود؛ تجربه ای که در آپارتاید به دست نظام سلطه رسیده بود.

اراده خداوند بر پیروزی و ایجاد حکومت اسلامی

دعای مؤمنان و خون دل وجود مبارک حضرت حجت(عج) شاگردی را تربیت کرد که قلبش برای پذیرش ولایت الهی آماده شد؛ قلبی که ملامال از توکل به خدا و ولایت امام زمانش شد و پرچمی را به دست گرفت که حتی فکر کردن به آن هم مردم ایجاد دلهره می کرد. روح الله موسوی خمینی حرکتش را به سلف پاک خویش اقامه کرد که با وجود اجتهاد در فقه، فلسفه، عرفان و... امی بود؛ یعنی مردمی بودن در کمال. مردمی بود مانند حضرت محمد صلی الله علیه و آله که قلب ها را نه به سمت خود، بلکه به سمت خدا هدایت می داد، موج کوچکی در دل های دریایی

در این فرهنگ انسان هرچه داشت باید به میدان می آورد، بازوی پرتوان، تن سالم، زیبایی، آبرو، بیان زیبا و... را تا صرفاً چرخ نظام سلطه با سرعت بیشتری بچرخد. پول هایی که از این همه تلاش شبانه روزی کسب می شد هم در تهیه محصولات همان نظام سلطه که برای افراد به عنوان مایحتاج ضروری معرفی شده بود، هزینه می شد.

در این دوران، نظام سلطه به جای این که به افراد در ازای کاری که انجام می دهند، صرفاً خوراک و محل خواب و حداقل های بهداشت را (برای زنده ماندن) فراهم کند (دوران آپارتاید)؛ پول آن کار را به او می دهد و با فرهنگ بردگی، پول هایش را پس می گیرد؛ به تعبیری از این جیب به آن جیب می کرد.

این ادبیات برای انسان ها با توانایی های بالا بود، و آلا افراد با توانایی های پایین تر، صرفاً وبال این جوامع هستند و استفاده از کمترین ها نیز برایشان محال گردید.

کشورهای اسلامی گرفتار نظام سلطه غرب

اوضاع در کشورهای اسلامی کمی بهتر بود، ولی صرفاً در ظاهر؛ همین اندازه نیز برای نظام سلطه قابل پذیرش نبود؛ در همه کشورهای اسلامی یا دست نشانده های خود را روی کار گذاشته بود، یا کسانی را در رأس حکومت حفظ کرد که از دست نشانده های مدنظر خود بهتر بودند!

مشکل کوچکی مانده بود، به نام ایران که بویی از فرهنگ شیعه در دل های مردم به مشام می رسید، ولی خب، نسخه آن هم پیچیده شده بود و هر چیزی را که به عنوان شعائر اجتماعی در آن وجود داشت، کم کم تحریم می شد؛ عزاداری برای امام حسین علیه السلام، حجاب اسلامی و... البته در یک دوران که مقاومت مردم در این عرصه دیده شد، سیاست همراهی با این جریان ها و انحراف آن به ماجرا اضافه شد و چه بسا این روش بسیار اثرگذارتر



به راه انداخت و که در ساحل آرامش نظام سلطه تبدیل به موج‌های سهمگینی شد که تمام کف‌های روی آب آمده را کنار بزند و آبی گوارا به بیابانی برساند که سال‌ها توسط استکبار خشکانده شده بود.

امه‌ترین انقلاب تاریخ شیعه

این انقلاب امی شکل گرفت و پیروز هم شد و خود ماند و

استکباری جهانی که همه اش آماده جشن تکامل خود بود. جشنی که سور و سازش آماده شده بود ولی گویا فراموش کرده بود که اراده خدا بر چیز دیگری

است و آن پیروزی حق و نابودی باطل است.



استکبار عصبانی از خراب شدن نقشه‌هایش حالا در یک دوراهی بین نابودی و به تأخیر انداختن نابودی گرفتار شده بود؛ در یک گوشه از دنیا، کف‌های روی آب کنار زده شده بود و عده‌ای که خود را شیعه می‌دانستند، طعم شیرین آب گوارا را چشیده بودند! در این شرایط با دیگرانی که سال‌ها با خودشان همراه ساخته بودند چه کنند؟ این همه زیبایی‌های ظاهری که برایشان ساخته بودند چه می‌شود؟ این همه سرمایه‌گذاری‌ها که صرفاً بردگان‌شان مصرف‌کننده آن بودند چه می‌شود؟ این همه «ما برتریم، غیر ما بدبخت است» چه می‌شود؟ «غیر از ما کسی نمی‌تواند» چطور؟

در تقابل استکبار جهانی با انقلاب اسلامی نقشه‌های مختلف یکی پس از دیگری شکست می‌خورد و فتنه‌ها یکی پس از دیگری خاموش؛ مجاهدت مجاهدان و خون دل مؤمنان با آبیاری خون

شهیدان، روزبه روز باغ تازه نهال کاشته انقلاب را پربارتر می‌کرد. روزی که پیر جماران می‌گفت ما این انقلاب را صادر می‌کنیم، آرزویش را نمی‌گفت، بلکه

خبری را به ما می‌داد که از حکمت به او رسیده بود. مگر می‌شود آبی در دل بیابانی بجوشد ولی همان جا بماند؟! آب چشمه است

دیگر، برای ماندن در یکجا خلق نشده، بلکه قرار است جاری شود و آبادانی را با خود همراه سازد و بیابان‌ها را یکی پس از دیگری محو کند.

انقلاب اسلام و تکیه‌گاه آزادگان در تقابل با استکبار

اوایل پیروزی انقلاب، مردم جهان بر اساس رشد یافتن در فرهنگ استکبار، چشم‌انتظار نابودی‌اش بودند، ولی امروز نه تنها به این



بزرگ ترین پرچم است. واجبات دیگری که انسان انجام می‌دهند، دارای پاداش فراوان است که هر کدام از این واجبات اقامه گردد، علاوه بر پاداش افراد، برای جامعه نیز پاداش جمعی دارد و موجبات هدایت می‌گردد.

خداوند متعال برای برخی واجبات علاوه بر وجوب ادای آن، فرصت قضای آن را نیز فراهم کرده است، نه از این جهت که کم‌اهمیت باشند، از این جهت که اموری جاری هستند که به هر شکلی که شده، باید اقامه گردد، مانند نماز، روزه، حج، زکات، خمس و ...

در این میان وجوبی را هم قرار داده که امکان ادای آن صرفاً در همان محل و زمان است که اگر انجام شود، فرد و جامعه رشد می‌یابد و اگر ادا نشود، فرصت از دست‌رفته و هم فرد و هم جامعه متضرر می‌گردد که بهترین مثال در این عرصه، امر به معروف و نهی از منکر است.

برای انجام همه این واجبات انسان می‌تواند با دانستن برخی احکام و مراجعه به انسان‌های آگاه در این عرصه، کیفیت اجرا و اقامه آنها را کسب کند و به درستی آن را به جای آورد. اما وجوبی قرار دارد که پرچم آن صرفاً در دستان ولی خداست و

موضوع فکر نمی‌کنند، بلکه به آن تکیه می‌زنند و با این تکیه‌گاه الهی در برابر نظام سلطه سینه سپر می‌کنند. امروز استکبار با ایران اسلامی مواجه نیست، بلکه با چشمه جوشان انقلاب اسلامی مواجه هست که دیگر محدود به دایره شیعه و حتی اسلام نیست، بلکه هر آزاده‌ای را تکیه‌گاه است.

یک تنه در برابر استکبار ایستاد و نه تنها از خودش دفاع کرد، حتی نگذاشت استکبار نقشه‌های شوم خود علیه کشورها و ملت‌های دیگر را به نتیجه برساند. استکبار نمی‌داند دیگر چه کند، چراکه هرچه دست‌وپا بزند، خود را در میان کف‌هایی می‌بیند که خود روزی آن‌ها را بر روی آب ایجاد کرده بود و امروز حتی راه نفسش را گرفته.

انقلاب اسلامی ایران صرفاً نام تاریخی آن است، نام حقیقی آن انقلاب اسلامی محمدی است که عرصه را برای ظهور منجی بزرگ بشریت هموار کرده و دل‌های مؤمنان را آماده همراهی با ذخیره الهی در گستراندن عدل و عدالت در جهان می‌کند.

اُمت | یادداشت پایانی

جهاد برافراشته‌ترین پرچم اُمت

زمانی که «هیچ»، «هست» شد و در ادامه آدم شکل گرفت، اقتضا و صلاحیت این خلقت، بندگی خدا قرار داده شد و این عهدی است که همه ما برای خلقت آن را پذیرفتیم و با لبیک به خداوند هستی، پای در سبیل الهی گذاشتیم. حرکت در مسیر الهی با مرکب ولایت امکان‌پذیر شد و پرچم‌هایی در دست ولایت مداران برای گردآمدن پیرامون آن قرار داده شد.

در میان این پرچم‌های هدایت که همگی از بایسته‌های قرار داشتن در جایگاه انسانیت است، پرچمی به نام جهاد برافراشته شده است که برافراشته‌ترین و



اوست که اجازه دارد آن را برافراشته سازد و زمانی که این پرچم که بلند برافراشته شد، جوش و خروشی در دل مؤمنان ایجاد می‌شود که گویا تمام عمر خود را در انتظار برافراشته شدن این پرچم سپری کرده‌اند و زمانی که به ندای ولی خدا لبیک می‌گویند، گویا خلق شده‌اند که تنها همین جمله را بر زبان جاری سازند.

عظمت این پرچم به اندازه‌ای است که شاید انسانی تمام عمر خود را در غفلت و خدای ناکرده در مسیر تعدی از اطاعت خدا گذاشته باشد، ولی با لبیک به این ندا، تازه می‌فهمند از کجا آمده و به کجا خواهد رفت... که نمونه‌های فراوانی از آن در تاریخ بشریت و حتی در جنگ تحمیلی که به ما خیلی نزدیک است، دیده‌شده و شاهدان زیادی هم دارد.

در این مسیر مؤمنان می‌گویند: «ما لنا احدى الحسنین»؛ یکی از دو بهترین در انتظار ماست؛ یا در این راه کشته می‌شویم، که این بهترین است؛ یا دشمن را از سر راه برمی‌داریم و به مقصود می‌رسیم، که این هم بهترین است.

اگر به واقعه عاشورا نگاهی بیاندازیم، خواهیم دید که شخصی مانند زهیر بن قین که با اهل بیت علیه‌السلام نبود و حتی مخالفت خلافت امام علی علیه‌السلام بود، تا قبل از رسیدن امام حسین علیه‌السلام به کربلا، شمشیر در غلاف کرده بود و حتی از روبرو شدن با ایشان هم امتناع می‌کرد، یا جناب حر که تا قبل از روز عاشورا در مقابل امام حسین علیه‌السلام ایستاد و راه را بر ایشان و اهل بیت و اصحابشان بست، یا برادرانی که در سپاه عمر بن سعد بوده و پس از شهادت یاران امام حسین علیه‌السلام به سمت ایشان رفته و همگی جانشان را در مسیر لبیک به امام حسین علیه‌السلام فدا کردند، همگی از افرادی بودن که در بهترین زمان و مکان، تصمیم درست را گرفتند.

زمانی که افراد به ندای جهاد ولی خدا لبیک می‌گویند، حتی بدون داشتن سابقه درخشانی در عرصه بندگی خدا از اولیاءالله می‌شوند، چراکه بزرگ‌ترین تصمیم پیش رویشان را درست اتخاذ کردند. در این راه شهید شدن را گواهی بر پذیرفته شدن عملشان می‌بینند زنده ماندنشان را نیز توفیقی در مسیر ادامه حرکت روشن به سوی معبودشان می‌دانند.

بهترین‌ها از میان مخلوقات به مقام جهاد می‌رسند و بهترین‌ها در این مسیر به مقام شهادت نائل می‌آیند. هر آنچه در زمین و آسمان است به حال و روز آنها غبطه می‌خورد و خود را در برابرشان حقیر می‌پندارد؛ تا جایی که امام

خمینی(ره) در دیداری که با رزمندگان در دوران دفاع مقدس داشتند، درحالی که بغض گلویش را گرفته و اشک بر چهره ایشان جاری شده بود بیان داشتند: «من وقتی با این چهره‌ها مواجه می‌شوم و این قلب‌هایی که به‌واسطه توجه به خدای تبارک و تعالی این طور در چهره‌ها اثر گذاشته است، احساس حقارت می‌کنم.»

از این‌روست که رهبر انقلاب اسلامی در دیدار آقایان اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس و زیاد النخاله دبیرکل جهاد اسلامی فلسطین، با تجلیل از ایستادگی و مقاومت کم‌نظیر مردم مظلوم غزه، تأکید کردند: امروز بلندترین پرچم اسلام در دست ملت فلسطین و مردم غزه است و به برکت این مقاومت زمینه ترویج بیش‌ازپیش اسلام فراهم آمده است.

این سخنان از امامین انقلاب نشان می‌دهد که جهاد بالاترین پرچم است که در جامعه اسلامی برافراشته می‌شود و جهادگر نیز در بهترین زمان و بهترین مکان، در بالاترین مقام دنیایی قرار گرفته است.





تورا است معجزه در کف، ز ساحران نهر اس

عصا بسفین کن و از بیم از دها مگریز

سید علی



۱۸۰۰۰ توکل

عصا بسفین کن و از بیم از دها مگریز

تورا است معجزه در کف، ز ساحران نهر اس